

# در تکاپوی آزادی

اندیشه اجتماعی مهدی بازرگان در گفت‌وگو با محمد توسلی

امید ایران مهر

به عقیده محمد توسلی متون بر جای مانده از مهندس بازرگان هنوز هم می‌تواند نسخه‌ای شفاف‌بخش برای دردهای امروز و سرمایه‌ای اجتماعی برای نسل جوان باشد. او که مبنای اصلی اندیشه بازرگان را مبتنی بر آزادی‌خواهی می‌داند، با تاکید بر اعتقاد بازرگان به ارجحیت تغییر شخصیت حقیقی جامعه بر تغییر ساختار حقوقی می‌گوید: از نظر ایشان مهم این است که بستری فراهم شود تا شخصیت حقیقی جامعه و بخصوص نخبگان که بر روند حرکت کلی جامعه تاثیرگذار هستند، تغییر کند. در جامعه‌ای که ۲۵۰۰ سال تاریخ استبدادی دارد، تا خودخواهی‌ها، منیت‌ها و کیش شخصیتی که آحاد جامعه خصوصا نخبگان دارند، متحول نشود انتظار تحولات اجتماعی دور از واقع‌بینی است.

اولین پرسشی که درباره مرحوم بازرگان به عنوان یک سیاستمدار وجود دارد این است که هدف مهندس از ورود به عرصه سیاست چه بود؟ نگاهش به سیاست و مقوله قدرت از چه زاویه‌ای بود؟ او قدرت را هدف می‌دید یا ابزار؟

بررسی ۶۰ سال خدمات علمی، اجتماعی، دینی و سیاسی ایشان نشان می‌دهد که مهندس بازرگان به عنوان یک سرمایه اجتماعی از ویژگی‌های خاصی برخوردار بود که بازگویی ابعاد مختلف شخصیت ایشان می‌تواند به عنوان سرمایه‌ای اجتماعی برای نسل جوان ما الگوی آموزنده‌ای باشد.

یکی از ویژگی‌های مهندس صداقت و صراحت در بیان اندیشه‌هایش بود. در دورانی که همه تئوری‌پردازان و روشنفکران بر این عقیده تاکید داشتند که احزاب باید بر پایه قدرت شکل بگیرند و در یک فرآیند دموکراتیک پس از دستیابی به قدرت بتوانند افکار و اندیشه‌های خودشان را در جامعه پیاده کنند، مهندس بازرگان یک جمله کلیدی دارند که می‌گوید «جنگ ما جنگ حجت است، نه قدرت.» به این گفتمان مهندس بازرگان تعریض‌های زیادی در گذشته شده و شاید هنوز هم بشود اما مهندس بازرگان معتقد بود در علوم سیاسی جدید که تعریفی از کارکرد احزاب مطرح می‌شود یک کپی‌برداری است از آنچه در کشورهای غربی شکل گرفته است. در کشورهای غربی که در طول قرن‌ها برای آزادی و دموکراسی تلاش کردند وقتی که جامعه دموکراتیک شده طبیعی است که کارکرد احزاب در این شرایط کسب قدرت باشد. اما در جوامعی مثل ایران که یک فرهنگ استبدادی کهن وجود دارد، اگر احزاب و گروه‌هایی بخواهند قدرت را هدف قرار دهند چون هنوز زیرساخت‌های دموکراتیک فراهم نشده است، چنین سازوکاری موجب تقابل و تخاصم میان احزاب و گروه‌های سیاسی می‌شود و این در راستای منافع ملی نیست.

دیدگاه مرحوم بازرگان برای تامین منافع ملی در این عرصه چیست؟ او چه رسالتی برای نهادهای سیاسی مثل احزاب قائل بود؟

تلاش مهندس بازرگان این بود که اول زیرساخت‌ها به وجود بیاید، احزاب و نهادهای مدنی و مطبوعات آزاد شکل بگیرد و در چنین فرآیندی که در شخصیت حقیقی افراد جامعه بوجود می‌آید بتوانند تعامل دموکراتیک داشته باشند احزاب هم می‌توانند مثل غرب قدرت را هدف قرار دهند و برای به دست آوردن آن به رقابت بپردازند.

تجربه تاریخی در یک قرن گذشته هم در جریان انقلاب مشروطه، هم نهضت ملی و هم انقلاب اسلامی یکی از چالش‌های اصلی در راه تحولات اجتماعی همین نگرش روشنفکران بوده است و هزینه سنگین آن را جامعه پرداخت کرده است. به این دلیل که روشنفکران ما نتوانستند در تنظیم مسئولیت‌های خودشان موفق باشند و بتوانند روی حداقل‌های مطالبات کاری جمعی صورت دهند. این باعث شد که آن‌ها به جای آن‌که صرف یافتن و حل موانع اصلی توسعه شود، صرف برخوردهای داخلی خودشان شود. اگر بخواهم به طور مشخص به موارد تاریخی اشاره کنم می‌توان به تقابل‌های دوره نهضت ملی ایران که ضربه‌های بسیاری به حرکت زد اشاره کرد که در جریان آن نخبگان نتوانستند در کنار هم محورهای مشترک مطالبات را در مقابل استبداد به پیش ببرند و با وقوع کودتای ۲۸ مرداد عملاً "روند حرکت کشور و فرآیند توسعه مختل شد.

در آستانه انقلاب هم مجدداً همین اشتباه و تجربه تلخ تکرار شد که همه جریان‌های سیاسی به هر قیمت به دنبال به دست آوردن قدرت بودند. شاید برای نسل امروز باور کردنی نباشد که بعد از آن‌که دولت موقت مهندس بازرگان مسئولیت را قبول کرد بدون استثناء همه گروه‌ها حملات خود را متوجه دولت موقت و شخص مهندس بازرگان کردند، در حالی که اگر کمی واقع‌بینی به خرج می‌دادند، می‌توانستند با سعه صدر با دولت همکاری کنند، تا نهادهای نظام شکل بگیرد و در یک فرآیند دموکراتیک در چارچوب رای مردم قدرت را به دست بگیرند. اما متأسفانه برخی گروه‌ها و اشخاص در آن زمان اصالتاً خودشان را صاحب و مالک کشور می‌دانستند و حاضر به مذاکره با هیچکس نبودند. مهندس بازرگان دنبال حجت بود، به دنبال این بود که نهادهای مدنی شکل بگیرند، یک ساختار دموکراتیک در کشور به وجود بیاید و سازوکار گردش قدرت در کشور شکل بگیرد.

در طول ۱۶،۱۵ سالی که از زمان پیروزی انقلاب در قید حیات بودند همواره بر این راهبرد تاکید داشتند که ما با حاکمان جمهوری اسلامی جنگ قدرت نداریم که بگوییم شما بروید ما به جای شما بیاییم، حرف ما این است که در چارچوب قانون اساسی عمل شود. زمینه‌های تحقق مطالباتی که مردم در انقلاب مطرح کردند مثل آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی را فراهم شود. بسترهای لازم را فراهم کنند تا مسیر توسعه طی شود.

در آثار مهندس بازرگان آن‌چه بسیار بر آن تاکید شده است، آموزه‌های قرآنی است. این آموزه‌ها چه تاثیری بر شکل‌گیری نگرش سیاسی ایشان داشت؟

اندیشه‌های مهندس بازرگان برگرفته از آموزه‌های قرآنی، واقعیت‌های فرهنگی جامعه و تجربه بشری است. بازرگان از بعد از شهریور ۲۰ که با مرحوم طالقانی و دکتر سبحانی همکاری‌های فرهنگی و اجتماعی را آغاز کردند آنچه سرلوحه کارشان بود و اندیشه‌هایشان بر پایه آن شکل گرفته، این آیه قرآن است که «ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیر ما بانفسهم» خداوند وضعیت هیچ ملتی را متحول نمی‌کند مگر این‌که آحاد آن جامعه عناصر تشکیل دهنده شخصیت، منش و نگرش‌هایشان را تغییر دهند. مهندس بازرگان و همفکران ایشان همواره بر این نکته تاکید داشتند که تا شخصیت حقیقی جامعه تغییر نکند تغییر شخصیت حقوقی جامعه کارساز نیست. از نظر ایشان مهم این است که بستری فراهم شود تا شخصیت حقیقی جامعه و بخصوص نخبگان که بر روند حرکت کلی جامعه تاثیرگذار هستند، تغییر کند. این تجربه تاریخی ماست؛ جامعه‌ای که ۲۵۰۰ سال تاریخ استبدادی دارد، خودخواهی‌ها، منیت‌ها و کیش شخصیتی که نخبگان در چنین جامعه‌ای دارند و بر اساس آن همه خودشان را محور عالم می‌دانند، تا این‌ها متحول نشود انتظار تحولات اجتماعی دور از واقع‌بینی است.

در عرصه عمل ایشان چه تلاشی را برای این تغییر منشاها و به گفته شما تغییر تدریجی شخصیت حقیقی جامعه به انجام رسانند. این تفکر در کدام رفتار سیاسی مهندس بازرگان نمود پیدا می‌کند؟

طبیعی است که در همین راستا مثلاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی مهندس و همفکرانش همواره در انتخابات‌های مختلف حضور پیدا کرده‌اند نه برای کسب مقام بلکه همین شرکت کردن در انتخابات و مشارکت در فرآیند آن باعث می‌شود مردم به مشارکت در فرآیند انتخابات و آشنایی با ساختار آن تشویق شوند. این‌ها در راستای همان جنگ حجت است که ما با وجود کاستی‌هایی که می‌دانیم وجود دارد در اصل انتخابات مشارکت می‌کنیم و به مردم آگاهی می‌دهیم که از طریق این آگاه‌سازی زمینه و مطالبه یک انتخابات آزاد و دموکراتیک را شکل بدهد. در همین دوران بسیاری از شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی بودند که این روش‌ها را مفید نمی‌دانستند و انتخابات را تحریم می‌کردند اما مهندس بازرگان و همفکرانش در نهضت همواره در انتخابات حضور یافتند. در همین انتخابات اخیر هم دیدید که نهضت بر اساس همین تفکر از اصل شرکت در انتخابات حمایت کرد و از مردم خواست که به تشخیص خود به یکی از دو کاندیدای اصلاح‌طلب رای دهد. به نظر من حضور گسترده مردم و این‌که آنان به میزانی از رشد و آگاهی رسیده بودند که می‌دانستند بر اساس تجربیات انباشته گذشته عدم شرکت در انتخابات سودی برایشان ندارد یکی از نتایج جنگ حجت در برابر جنگ قدرت است.

آنچنان که گفتید نگاه مهندس بازرگان به سیاست، منبعث از آموزه‌های دینی بود. دین تاکید ویژه‌ای بر اخلاق دارد و آن را برای مومن فضیلت می‌داند. از آن سو تجربه تاریخی نشان داده است که سیاست پدیده‌ای نیست که چندان با اخلاق هم‌داستان شود. ولی ما می‌بینیم که بسیاری سیاست‌ورزی مهندس بازرگان را در حوزه اخلاق سیاسی تعریف می‌کنند. ایشان چگونه اخلاق و سیاست دو مفهوم دور از یکدیگر را به هم پیوند می‌زند.

اخلاق‌گرایی یکی از ویژگی‌های بارز شخصیت مهندس بازرگان است. بسیاری از کسانی که درباره ایشان سخن گفته‌اند او را یک سیاستمدار اخلاق‌مدار توصیف کرده‌اند. شخصیتی است که در عالم سیاست هم هیچ‌گاه ارزش‌های انسانی خود را فراموش نمی‌کند. این انسجام شخصیتی مهندس یکی از ویژگی‌های خاصی است که در توصیفاتی که از او وجود دارد نیز منعکس است. او چه در کلاس درس، چه در کار صنعتی، چه در نهادهای مدنی مثل انجمن اسلامی مهندسين، چه در عرصه نهادهای سیاسی مثل نهضت آزادی همواره ارزش‌های اعتقادی و انسانی خود را در حرکات و رفتارهایش لحاظ کرده است. صداقت مهندس بازرگان در گفتار و عمل خود نوعی اخلاق‌گرایی محسوب می‌شود. او هیچ‌گاه به خاطر سیاست و منافع مقطعی و زودگذر خلاف نگفته و حتی در شرایط بحرانی که شاید جو جامعه با او همراه نبود، بر ارزش‌های اعتقادی‌اش تاکید کرده است. ما این ویژگی را در پیشوایان دینی‌مان مثل مولای متقیان حضرت علی (ع) هم سراغ داریم که هیچ‌گاه حقیقت را فدای مصلحت نکردند و طبیعی است که پویندگان راه آنان نیز این مسائل را مدنظر قرار بدهند.

شکل‌گیری این نگرش که ریشه و پاسخ همه مسائل را از دین استخراج کنیم، شاید زمانی در مهندس بازرگان بیشتر تقویت شد که ایشان وارد حوزه تفسیر قرآن شدند. مهندس بازرگان دانش‌آموخته رشته مهندسی بودند، فکر می‌کنید چه شد که به سراغ مقوله‌ای مثل تفسیر قرآن رفتند و آنقدر با جدیت در این مسیر گام برداشتند. این مسئله را از آن جهت می‌پرسم که این تفسیر قرآن در شکل‌گیری تفکر دینی و سیاسی ایشان که تا پایان عمر بر مبنای آن به فعالیت پرداختند، تاثیر شگرفی داشت.

مهندس بازرگان از یک خانواده شناخته شده مذهبی بود و طبیعی بود که با فرهنگ دینی پیوند داشته باشد. با این وجود مطمئناً بسیاری از کسانی بودند و هستند که این پیوندها را داشته‌اند اما الزاماً زندگی آن‌ها مثل زندگی مهندس بازرگان نیست. این‌که چرا مهندس بازرگان پای در این راه گذاشت را خودش در دادگاه نظامی عشرت‌آباد بیان کرده است. خودشان اینطور توضیح می‌دهند که «۷ سالی که در فرانسه برای تحصیل رفته بودند با بررسی دلایل پیشرفت کشورهای اروپایی به این نتیجه می‌رسند که اروپایی‌ها نه تنها از دین جدا نشده‌اند بلکه پایه‌های پیشرفت بر اندیشه‌های دینی‌شان استوار شده است. این مسئله‌ای است که مهندس بازرگان در کتاب «مذهب در اروپا» در پاسخ به روشنفکرانی که فکر می‌کردند راه پیشرفت از مسیر پشت کردن به فرهنگ ملی و دینی مردم می‌گذرد، مطرح کردند.

مهندس بازرگان و دکتر سبحانی که در فرانسه تحصیل کرده بودند و مرحوم آیت‌الله طالقانی که تحصیل کرده حوزه بودند و با نگاه نو به تحولات اجتماعی نگاه می‌کردند هر سه وقتی به تجربه سیدجمال‌الدین اسدآبادی نگاه می‌کنند که چهار دهه پیش از آن‌ها نقش موثری در تحولات اجتماعی داشت به این نتیجه می‌رسند که سیدجمال تمام توانش را در راه گفت‌وگو با حاکمان مصروف کرد و در سال آخر غبطه خورد که چرا عمرم را مصروف زمامداران کشور اسلامی کردم. این پیشگامان بر اساس این تجربه و تحلیل خودشان بود که تمام ظرفیت فکری خودشان را صرف مطالعه موانع توسعه کشور کردند و یکی از موانع را دور شدن جامعه ما از آموزه‌های واقعی اسلام ارزیابی کردند. خرافات و پیرایه‌هایی که در طول تاریخ در اطراف اعتقادات مردم شکل گرفته بود را دیدند و کوشش کردند نسل جوان دهه‌های ۲۰، ۳۰ و ۴۰ را در یک فرآیند فشرده فرهنگی با قرآن و آموزه‌های درست اسلامی آشنا کنند و به این وسیله پیرایه‌های که در طول تاریخ بر افکار و ذهنیت مردم ما سیطره پیدا کرده و مانع رشد علمی و توسعه جامعه شده بود را بزایند. این پیشگامان ۲۰ سال از فشرده فرهنگی و اجتماعی را به پیش بردند تا جامعه را با فرهنگ ملی ایران که با اسلام درآمیخته است آشنا کنند و آن‌ها را از خودبیگانگی برهانند تا مردم بخصوص نسل جوان و روشنفکر جامعه با بازیابی ارزش‌های ملی راه رشد و کمال جامعه را هموار کنند. به همین دلیل است که شما کمتر اثری از مهندس بازرگان می‌بینید که آموزه‌های قرآنی در آن به کار نگرفته باشد. به علاوه مهندس بازرگان کار با ارزش دیگری هم در این زمینه انجام داد، پژوهشی تاریخی است که در زندان برازجان انجام داد و آن مجموعه «سیر تحول قرآن» بود که جلد ۱۲ و ۱۳ آثار ایشان را تشکیل می‌دهد. وقتی دکتر شریعتی در سال ۴۶ چکیده‌ای از این پژوهش را در جریان جلسه‌ای در مشهد از زبان مهندس بازرگان شنید، آن نامه تاریخی را می‌نویسد که: «من در شگفتم که چگونه است مهندس بازرگان کشفی بزرگ انجام داده است. کشفی بزرگتر از کشف پاستور و گالیله اما به تواضع و به سادگی از کنارش می‌گذرد.»

یکی از مسائلی که درباره مهندس بازرگان همواره مطرح بوده و در سال‌های اولیه انقلاب به صورت یک دشنام درباره ایشان بیان می‌شد، لیبرال بودن وی بود. نگاه ویژه مهندس بازرگان به آزادی و لیبرالیسم در آن زمان باعث شده بود موجی اینچنینی علیه ایشان به راه بیفتد. در حالی که امروز بسیاری تفکر آن روز مهندس بازرگان را تحسین می‌کنند. به نظر شما بازرگان برای نسل امروز چه دستاوردی دارد؟

در این زمینه من خاطره‌ای عرض می‌کنم که ما در سال ۱۳۷۸ همراه آقای دکتر یزدی به دعوت موسسه‌ای به آلمان سفر کردیم و در جریان این سفر یکی از فعالان سابق حزب توده که از نخبگان سیاسی است، در فرانکفورت به دیدار ما آمد و ضمن بحث و گفت‌وگو با شجاعت و صراحت گفت «امروز که من با شما صحبت می‌کنم از مواضع ۶۰ ساله گذشته خودم نمی‌توانم دفاع کنم چون مواضع فکری‌ام از نظر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کاملاً متحول شده است. اما به شما تبریک می‌گویم که می‌توانید از ۶۰ سال سابقه جریان فکری خودتان با سربلندی دفاع کنید.»

مهندس بازرگان در ۸۷ سال عمر با برکت خود که ۶۰ سال از آن به صورت فعال در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و مدیریتی صرف شده است. نحوه شکل‌گیری زندگی او، سلوک او در عرصه‌های مختلف، بینش و منش او می‌تواند برای نسل امروز ما که نگاه به آینده دارد الگوی آموزنده‌ای باشد. پرسشی که پیش می‌آید این است که آیا سوالاتی که نسل‌های دهه‌های گذشته داشتند امروز هم برای نسل کنونی مطرح است یا خیر؟ کسانی که با افکار و اندیشه‌های مهندس بازرگان آشنا هستند و جزو فعالان سیاسی هستند به این سوال پاسخ دادند و معتقدند که بسیاری از سوالاتی که نسل امروز با آن مواجه هستند. پاسخش در بسیاری از آثار مهندس بازرگان وجود دارد. بنابراین مراجعه به این مجموعه آثار می‌تواند برای نسل امروز و فردای جامعه ما هم مورد استفاده قرار گیرد.

ایشان در سال 36 که ما تازه وارد دانشگاه شده بودیم در سالن دانشکده کشاورزی کرج مطالبی را با عنوان «احتیاج روز» مطرح کردند که اگر کسی همین امروز هم آن را بخواند پاسخ بسیاری از پرسش‌هایش را در قالب آن می‌یابد. عصاره احتیاج روز این است که مشکل ما این است که به خاطر فرهنگ استبدادی جامعه ایران با کار جمعی آشنا نیستیم و باید فضای را فراهم کنیم که روحیه کارهای جمعی به وجود بیاید. ایشان خودشان نیز در مقاطع مختلف زندگی‌شان با تشکیل نهادهای گوناگونی از جمله «جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر» و «جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت قانون» این ایده را در عرصه عمل به اجرا گذاشتند. به نظر من ما اگر بخواهیم چکیده اندیشه‌های مهندس بازرگان در جریان تلاش‌های ۶۰ ساله‌اش را مطرح کنیم همانطور که در عنوان کتابی که آقای اشکوری درباره زندگی ایشان نوشته‌اند مطرح

شده است، می‌توانیم کل زندگی ایشان را «در تکاپوی آزادی» ببینیم. در طول ۶۰ سال تلاش‌های مهندس بازرگان در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایشان همواره بر این گفتمان متمکز بودند و زمینه‌های عینی تحقق این گفتمان امروزه به عنوان گفتمان فراگیر جوامع بشری مطرح است و این همان اندیشه‌ای است که ثمره آن اکنون به ما و نسل‌های امروز و فردا رسیده است.